

امانت

حضرت بهاء الله:

۱ - " زیتوا رؤسکم بیاکلیل الأمانة والوفاء وقلوبکم برداء التقوى وألسنکم بالصدق الخالص وهياکلکم بطراز الآداب کلّ ذلك من سجيّة الإنسان لو أنتم من المتبصّرين ﴿﴾ يا أهل البهَاء تمسّکوا بجبل العبوديّة لله الحقّ بما تظهر مقاماتکم وتثبت أسمائکم وترتفع مراتبکم وأذکارکم في لوح حفيظ ﴿﴾ إياکم أن يمنعکم من على الأرض عن هذا المقام العزيز الرفيع ﴿﴾ قد وصّیناکم بما في أكثر الألواح وفي هذا اللوح الذي لاح من أفقه نیر أحكام ربّکم المقتدر الحكيم " (کتاب اقدس - بند ۱۲۰)

۲ - " هو الله تعالى شأنه العظمة و الاقتدار جميع انبيا و اوليا از نزد حقّ جلّ جلاله مأمور بوده اند که اشجار وجود انسانی را از فرات آداب و دانائی سقایه نمایند تا از کل ظاهر شود آنچه که در ایشان به نفس ایشان من عند الله ودیعه گذاشته شده. هر درختی را ثمری مشهود چنانچه مشاهده می شود. شجر بی ثمر لایق نار است و مقصود از آنچه فرموده اند و تعلیم داده اند حفظ مراتب و مقامات عالم انسانی بوده طوبی از برای نفسی که در یوم الهی به اصول الله تمسک جست و از قانون حقیقی انحراف نجست. آثار سدره وجود امانت و دیانت و صدق و صفا و اعظم از کل بعد از توحید حضرت باری جلّ و عزّ مراعات حقوق والدین است. در جمیع کتب الهی این فقره مذکور و از قلم اعلی مسطور ان انظر ما انزله الرحمن فی الفرقان قوله تعالی "واعبدوا الله ولا تشركوا به شیئا وبالوالدين إحسانا" ملاحظه نمائید احسان به والدین را با توحید مقترن فرموده طوبی لکلّ عارف حکیم یشهد ویری و یقرء و یعرف و یعمل بما أنزله الله فی کتب القبل وفي هذا اللوح البديع " (رساله سؤال و جواب، ۱۰۶)

۲ - " اجْعَلُوا أَقْوَالَكُمْ مُقَدَّسَةً عَنِ الرَّيْبِ وَالْهَوَىٰ وَأَعْمَالَكُمْ مُنْزَهَةً عَنِ الرَّيْبِ وَالرِّيَاءِ ... كُونُوا فِي الطَّرْفِ عَفِيفًا وَفِي الْبَيْدِ أَمِينًا وَفِي الْإِسْتِثْنَانِ صَادِقًا وَفِي الْقَلْبِ مُتَذَكِّرًا " (لوح الحكمة)

۳ - " کن فی التّعمة منفقاً و فی فقدها شاکراً و فی الحقوق أَمِينًا ... ولوجه الصّدق جمالاً و لهیکل الأمانة طرازاً و لبيت الأخلاق عرشاً و لجسد العالم روحاً " (لوح عندلیب، آثار قلم اعلی، جلد ۲، ۱۵۹ بدیع)

۴ - " طراز چهارم فی الأمانة إنّها باب الإطمینان لمن فی الإمكان آية العزة من لدى الرحمن . من فاز بما فاز بكنوز الثروة والعناء. امانت باب اعظم است از برای راحت و اطمینان خلق . قوام هر امری از امور باو منوط بوده و هست . عوالم عزّت و رفعت و ثروت بنور آن روشن و منیر . چندی قبل این ذکر احلی از قلم اعلی نازل . إنّنا نذکر لك الأمانة ومقامها عند الله ربّك وربّ العرش العظيم . إنّنا قصدنا یوما من الأيام جزیرتنا الخضراء فلما وردنا رأینا أنهارها جاریة وأشجارها ملتقمة وكانت الشمس تلعب فی خلال الأشجار . توجّهنا إلى الیمین رأینا ما لا یتحرّک القلم علی ذکره و ذکر ما شاهدت عین مولی الوری فی ذاک المقام الألف الألف الأشرف المبارک الأعلی . ثمّ أقبلنا إلى اليسار شاهدنا طلعة من طلعات الفردوس الأعلی قائمة علی عمود من النور ونادت بأعلى النداء یا ملأ

الأرض والسّماء انظروا جمالي ونوري وظهوري وإشراقي . تالله الحقّ أنا الأمانة وظهورها وحسنها وأجرٌ لمن تمسّك بها وعرف شأنها ومقامها وتشبّث بذيلها . أنا الرّينة الكبرى لأهل البهاء وطرز العزّ لمن في ملكوت الإنشاء وأنا السّبب الأعظم لثروة العالم وأفق الإطمينان لأهل الإمكان . كذلك أنزلنا لك ما يقرب العباد إلى مالِك الإيجاد . يا أهل البهاء إنّها أحسن طراز لهياكلكم وأبهي إكليل لرؤوسكم خذوها أمرا من لدن أمر خبير " . (لوح مبارك طرازات ص ۲۰ - ۱۹ مجموعه ای از الواح اقدس الهی)

۵ - " إنّنا أمرنا الكلّ بالأمانة الكبرى يشهد بذلك لساني وقلمي وأركانِي والذّين يطوفون حولي ثمّ هذا الكتاب المنير . من النَّاس من تَبَدَّها عن ورائه وبذلك هتكت حرمة الله المتعالی العزیز المنیع " (ص ۱۵۷ ج ۳ امر و خلق)

۶ - " يا أحبّاء الله إنّ قلم الصدق يؤصّيفكم بالأمانة الكبرى لعمر الله نورها أظهر من نور الشّمس قد خسف كل نور عند نورها وضياؤها وإشراقها . از حق میطلبم مدن و دیارش را از اشراقات انوار شمس امانت محروم نفرماید جمیع را در لیالی و ایام بامانت و عقّت و صفا و وفا دلالت نمودیم و باعمال طیّبه و اخلاق مرضیه وصیّت کردیم " (ص ۴۴ اخلاق بهائی - شبیه این نصّ مبارک در ص ۱۴۰ مجموعه اشراقات نیز وجود دارد)

۷ - " موج دوم میفرماید یا قوم امروز احسن طراز عندالله امانت است فضل و عطا از برای نفسی که باین زینت کبری مزین گشته " (لوح مبارک امواج ص ۳۶۳ مجموعه الواح حضرت بهاءالله)

۸ - " آسمان امر الهی به آفتاب امانت روشن است . به جبل امانت متمسک شو و به ذیل صداقت متشبّث . این دو نیّر اعظمند که از افق اعلیّ طالع شده اند و در آسمان حکم سلطان امکان مشرق و مضمینند . إنّ شاء الله باین مقام فائز شوی و بذکر دوست ناطق گردی . إنّهُ هو الذّاکر التّاصح العزیز الحکیم " . (ص ۵۴ فضائل اخلاق)

۹ - " اگر امروز نفسی بطراز امانت فائز شود عندالله احبّ است از عمل نفسیکه پیاده بشطر اقدس توجّه نماید و بلقای معبود در مقام محمود فائز گردد . امانت از برای مدینه انسانیت بمثابه حصن است و از برای هیکل انسانی بمنزله عین اگر نفسی از او محروم ماند در ساحت عرش نایینا مذکور و مسطور است اگر چه در حدّت بصر مانند زرقاء یمامه باشد " (ص ۲۵ ج ۴ مائده آسمانی ط ۱۲۹ بدیع)

۱۰ - " امانت بعد از دیانت از طراز اوّل مذکور و از کلمه اولی مسطور . نورش بمثابه نور شمس بر جمیع انوار غلبه داشته و دارد . طوبی از برای نفسی که بنورش منور گشت و بر مقامش آگاه شد " (ص ۵۶ فضائل اخلاق)

11 - " اگر احبای الهی بطراز امانت و صدق و راستی مزین نباشند ضمرش بخود آن نفوس و جمیع ناس راجع اولاً آن نفوس ابدی محلّ امانت کلمه الهیه و اسرار مکنونه ربانیه نخواهند شد و ثانی سبب ضلالت و اعراض ناس بوده و خواهند بود و عن وراثتها قهر الله و غضبه و عذاب الله و سخطه " (ص ۱۶۸ مجموعه اقتدارات)

۱۲ - " شخص انسانی را امانت بمنزله سر و راستی بمثابه بصر است و اگر نفسی از این دو محروم شد باسم حیوان مذکور خواهد شد " (ص ۵۲ فضائل اخلاق)



حضرت عبدالبهاء:

۱ - " اگر نفسی بجمیع اعمال خیریه قائم ولی در امانت و دیانت ذره ای قاصر ، اعمال خیریه مانند سپند گردد و آن قصور آتش جانسوز شود ... " (ص ۴۸ اخلاق بهائی)

و بعد در همین لوح مبارک خطاب بجناب حاج آقا علاقبند میفرماید :

۲ - " امانت عندالحقّ اساس دین الهیست و بنیاد جمیع فضائل و مناقب است اگر نفسی از آن محروم ماند از جمیع شؤون محروم . باوجود قصور در امانت از ایمان و دیانت چه ثمری و چه اثری و چه نتیجه و چه فائده ای " (ص ۴۸ اخلاق بهائی)

۳ - " عبدالبهاء کلّ احبّاً را نصیحت مینمایند بلکه عجز و زاری میکند که حرمت امر الله را محافظه نمائید و عزّت نفوس را محافظه کنید تا اهل بهاء در بین کلّ ملل مشهور و معروف بامانت و دیانت گردند و خدمتی الیوم اعظم از این نه و خلاف آن تیشه بر ریشه امرالله است نَعُوذُ بِاللّهِ مِنْ هَذَا الدَّنْبِ الْعَظِيمِ أَسْأَلُ اللّٰهَ بِأَنْ يَحْفَظَ أَحِبَّائَهُ مِنْ هَذَا الظُّلْمِ الْمُبِينِ " (لوح مبارک که در صفحه ۱۵۸ ج ۳ امر و خلق)

۴ - " در خصوص معاملات احبّاء با یکدیگر مرقوم نموده بودید این مسأله اهمّ امور است و این قضیه را باید نهایت اهتمام داد یاران الهی باید با یکدیگر در نهایت امانت و دیانت معامله نمایند و هر کس در اینخصوص قصور کند از نصایح جمال مبارک و از وصایای الهی رو گردان است اگر انسان در خانه خود با متعلّقان و یاران در نهایت امانت و دیانت معامله ننماید با بیگانگان هر چه بامانت و راستی معامله کند بی ثمر و نتیجه ماند . اول باید معاملات داخلیّه را منتظم کرد بعد بخارج پرداخت نه اینکه گفت آشنایان را اهتمام نباید و ایشان را در امانت با یکدیگر چندان اهمیتی لازم نه ولی باید با بیگانگان درست رفتار کرد . این اوهام است و سبب خسران و زیان . طُوبَى لِنَفْسٍ أَشْرَقَتْ بُنُورَ الْأَمَانَةِ بَيْنَ الْعُمُومِ وَكَانَتْ آيَةَ الْكَمَالِ بَيْنَ الْجُمُهورِ " (ص ۱۵۹ ج ۳ امر و خلق)

۵ - " عدم دیانت و امانت تیر پُر زهری است که بجزگه و دل و جان عبدالهء میخورد " (ص ۴۹ اخلاق بهائی)